

مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دهم، شماره بیستم، پاییز ۱۳۹۰

دشت تهران در دوران اسلامی*

دکتر رایین کانیگهام

استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه بردفورد انگلستان

دکتر فیروز مهجور

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

دکتر حسن فاضلی‌نثلی

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

حسین صدیقیان

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران

ستار خالدیان

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی دانشگاه تهران

چکیده

مقاله حاضر گزارشی است از نتایج اولیه بررسی‌های باستان‌شناسی استقرارهای دوران اسلامی دشت تهران که با تأکید بر منابع تاریخی سعی گردیده است تا شاکله کلی استقرارهای این دشت که یکی از مهم‌ترین کانون‌های تحولات اجتماعی، تاریخی و فرهنگی در طول ادوار مختلف تاریخی است، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و فرآز و فرودهایی که شهر ری و نیز روستاهای اقماری آن داشته‌اند در ارتباط با عوامل انسانی مثل درگیری‌های سیاسی یا مذهبی یا عوامل طبیعی مثل زلزله یا خشک‌سالی در نظر گرفته شوند.

همچنین، ارتباط بافت‌های استقرار و برهمکنش‌های اقتصادی و اجتماعی ساکنان دشت تهران، از منظر باستان‌شناسی، مشخص شده و به تعیین الگویی

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۳/۲

نشانی پست الکترونیک نویسنده: S.khaledian@yahoo.com

برای برقراری رابطه اجتماعی و اقتصادی استقرارهای اقماری دشت تهران با شهر ری پرداخته شده است.

در پایان مکانیزم های تولید فرآورده های کشاورزی محصولات صنعتی و غیر کشاورزی در دشت مورد توجه قرار گرفته است و نحوه تجارت و مبادله کالا بین جوامع روستایی با جوامع شهری در دشت تهران مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

باستانشناسی، دشت تهران، دوران اسلامی، ری.

۱- مقدمه

دشت تهران در طول دوران اسلامی همواره از کانون های اصلی جمعیتی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به حساب می آمده که یکی از عوامل آن واقع شدن دشت مزبور در مسیر شاهراه تاریخی ارتباطی شرق به غرب است که از قرن نوزدهم میلادی به جاده ابریشم معروف گردید. مرکزیت داشتن و چهارراه بودن دشت تهران با مرکزیت ری، نزدیکی آن به مناطق شمالی ایران و واقع شدن در دامنه البرز که آب و هوای مناسب با خاکی بسیار حاصل خیز به آن بخشیده است، از دیگر عوامل مثبت محسوب می شوند. این عوامل باعث ایجاد استقرارهای بزرگ شهری در دوران اسلامی شد که شامل ری و ورامین در ادوار قدیمی تر و تهران در دوره معاصر می باشند. در این میان ری در طی دوران اسلامی و تا قبل از شکل گیری کلان شهر تهران همواره از کانون های اصلی سیاسی، نظامی، اقتصادی و مذهبی به شمار می آمده و گروه های قومی و مذهبی مختلفی را در خود جای داده است. به طوری که دشت مزبور در طی دوران اسلامی شاهد درگیری های بزرگ مذهبی و نظامی میان گروه های مذهبی و سیاسی بوده است.

بر این اساس، دشت تهران یکی از مستعدترین مناطق ایران برای پی گیری و شناخت تحولات اجتماعی و فرهنگی ایران در طی دوران اسلامی است. لذا همواره باعث جذب باستان شناسان دوران اسلامی جهت مطالعه و کاوش گردیده است. در این راستا به منظور مطالعه دقیق تر و منسجم تر، پروژه باستان شناسی دشت

تهران تعریف گردید و بر اساس آن در فاصله سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ طی سه مرحله بخش‌هایی از دشت مزبور توسط هیئت مشترکی از باستان‌شناسان ایرانی و انگلیسی با روشی نظام‌مند و به صورت پیمایشی بررسی و طی آن محوطه‌های بسیاری شناسایی و بازمینی شدند. مجدداً در زمستان سال ۱۳۸۸ به منظور بازننگری داده‌های گذشته و برنامه‌ریزی برای پژوهش‌های آتی، تمامی محوطه‌های اسلامی شناسایی شده، مورد بررسی و بازمینی قرار گرفتند.

در ارتباط با بافت‌های استقرار و برهمکنش‌های اقتصادی و اجتماعی ساکنان دشت تهران، از منظر باستان‌شناسی، پرسش‌های زیادی قابل طرح و پی‌گیری است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. رابطه اجتماعی و اقتصادی استقرارهای اقماری دشت تهران با شهر مرکزی از چه الگویی پیروی می‌کرده و داده‌های تاریخی و باستان‌شناسی تا چه حد به این پرسش مهم پاسخ می‌دهند؟
 ۲. آیا تولید فرآورده‌های صنعتی و محصولات غیر کشاورزی فقط محدود به مجموعه شهری بوده یا اینکه استقرارهای روستایی و کشاورزی نیز در آن سهم بوده‌اند؟
 ۳. آیا مکانیزم تجارت و مبادله کالا بین جوامع روستایی با جوامع شهری از نظامی خاص پیروی می‌کرده یا متفاوت بوده است؟
- شناخت ساختار اجتماعی و اقتصادی دشت تهران در دوران اسلامی موضوع بسیار پیچیده‌ای است که قطعاً نیاز به پژوهش‌های گسترده‌تری در آینده دارد. احتمالاً نتایج بررسی‌های اخیر چهارچوب مناسبی برای نیل به این هدف خواهد بود.

۲- دشت تهران در بستر تاریخ

ری که در گذشته مرکز دشت تهران بوده، در سال ۲۲ یا ۲۳ ه.ق توسط اعراب فتح شد (طبری ۱۳۷۲: ج ۵، ص ۱۹۷۵ و ابی یعقوب ۱۳۴۳: ۵۱)؛ که از لحاظ سیاسی و حکومتی، فصل جدیدی برای آنجا محسوب می‌شود. با ورود ایدئولوژی جدید به ایران، مردم هر منطقه از جمله ساکنان شهر ری به شیوه‌ای متفاوت با مذهب جدید برخورد کردند. با وجود تصرف شهر توسط مسلمانان و

صلح و پیمان بستن با آنها، هر چند گاه که امیر یا حاکم منطقه تغییر می‌یافت، مردم سر به شورش بر می‌آوردند. یکی از دلایل این شورش‌ها، نه به‌منظور بازگشت دولت ساسانی، بلکه در اعتراض به اعراب و تحمیل جزیه سنگین بر آنان بوده است (زرین کوب ۱۳۷۸: ۸۵-۶ و ۱۳۸۵: ۲۶).

بر اساس متون تاریخی نام قدیم ری و قبل از ورود اسلام، آرازی بوده، ولی پس از فتح این شهر، به دستور حاکم مسلمان، شهر ساسانی تخریب و شهر دیگری در شش یا ۱۲ فرسنگی آن پایه‌گذاری گردید که به دلیل هم‌جواری با شهر قدیم، نام ری را بر آن گذاشتند (بلاذری ۱۳۶۴: ۷۹ و ابن فقیه ۱۳۴۹: ۱۰۶). اگر چه محل قرار گرفتن شهر قدیم ساسانی چندان بر ما مشخص نیست، ولی با توجه به بیان فاصله چند فرسنگی شهر ساسانی تا شهر دوره اسلامی توسط جغرافی‌دانان اوایل اسلام از یک طرف و قرار گرفتن آثار مهمی از دوره ساسانی و اوایل اسلام، هم‌چون عشق‌آباد (چال ترخان)، تپه میل و قلعه ایرج در چند کیلومتری جانب جنوبی شهر ری کنونی، پس باید در همان حوالی به دنبال شهر ساسانی گشت. شاید یکی از مهم‌ترین محوطه‌هایی که احتمالاً محل همان شهر ساسانی است، محوطه بسیار بزرگ قلعه ایرج ورامین باشد که در حال حاضر حصارها و بخش‌هایی از دروازه شرقی آن باقی مانده است (نعمتی ۱۳۸۸).

بر اساس متون تاریخی در اوایل دوره عباسی نیز دوباره در ری ساخت و سازهای گسترده‌ای صورت می‌گیرد و شهر جدیدی به نام "محمدیه" در نزدیکی شهر قدیمی ساخته می‌شود که دارای برج و بارو بوده است (بلاذری ۱۳۶۴: ۷۸). نام شهر محمدیه را اغلب روی سکه‌هایی که مهدی عباسی به هنگام حکومت در ری ضرب کرده است، می‌توان دید (قدیانی ۱۳۷۹: ۲۷-۲۸). این شهر در دوره عباسی یکی از مهم‌ترین شهرهای اسلامی در قلمرو خلافت محسوب می‌شده، به گونه‌ای که حتی هارون‌الرشید حاکم عباسی بیان داشته که ری و سه شهر رقه، دمشق و سمرقند چهار جایگاه اصلی جهان هستند (مقدسی ۱۳۶۱: ۵۷۴)؛

با وجود این، ری در این دوره هیچ‌گاه در مدت زمانی طولانی از آرامش نسبی برخوردار نشد، بلکه هر بار اتفاق تازه‌ای در آن صورت می‌پذیرفت که زندگی را برای مردم آنجا سخت می‌کرد. این شهر در دوران اسلامی، بارها شاهد

جنگ، قحطی، گرسنگی و بی‌آبی و حتی زلزله‌های بزرگ و ویران‌گر بوده است. بنابراین، این حوادث را می‌توان به دو دسته انسانی و طبیعی تقسیم‌بندی کرد:

۱- عوامل انسانی که شامل جنگ‌های مذهبی مثل نبردهای حسن بن زید داعی علویان با موسی بن بغا فرمانده عباسی در فاصله سال‌های ۲۵۶ تا ۲۵۸ ه.ق (طبری ۱۳۷۲، ج ۱۵: ص ۶۴۳۲) و جنگ‌های غیر مذهبی مانند نبرد اسماعیل ابن احمد و محمد ابن هارون در سال ۲۸۹ ه.ق (طبری، ج ۱۵: ص ۶۷۲۴) و نیز نبرد علی ابن عیسی ابن ماهان و طاهر در زمان امین عباسی می‌شود (مسعودی ۱۳۶۵: ۳۹۱).

۲- عوامل طبیعی که شامل سیل و زلزله، مثل زلزله ذی‌الحجه سال ۲۴۹ ه.ق (طبری ۱۳۷۲، ج ۱۴: ص ۶۱۲۷) و نیز گرسنگی، قحطی و بی‌آبی، مانند گرسنگی سال ۲۰۱ ه.ق (طبری ۱۳۷۲، ج ۱۳: ص ۵۶۶۲) یا کم‌آبی سال ۲۷۱ ه.ق می‌گردد (همان، ج ۱۵: ص ۶۶۵۶).

با روی کار آمدن نخستین سلسله‌های نیمه‌مستقل و مستقل ایرانی طی مدت زمان کوتاهی، در حدود یک سده، ری و استقرارهای اطراف آن بارها بین حاکمان سلسله‌های مختلف جابه‌جا شد که شامل طاهریان، شورشیان حسن بن زید، صفاریان، سامانیان، ساجیان، آل‌زیار و سپس آل‌بویه، می‌شود (باسورث ۱۳۸۵ الف: ۹۱ و ۱۰۱، کریمان ۱۳۴۹: ۱۴۳، متحده ۱۳۸۵: ۷۵ و کییر ۱۳۸۴: ۱۷۲). در زمان حکومت دیالمه، یعنی در قرن چهارم، ری جزو بزرگ‌ترین شهرهای نواحی چهارگانه ایالت جبال بود، چنان‌که ابن حوقل می‌گوید دستگاه اداری دولت در ری بود. وی که مساحت شهر ری را یک فرسخ و نیم در یک فرسخ و نیم دانسته است، بیان می‌دارد که بعد از بغداد آبادتر از ری شهری در شرق نیست (لسترنج ۱۳۳۷: ۲۳۱). در این دوره مهم‌ترین نواحی ری از حیث حاصلخیزی عبارت بود از روستای روده، ورامین، پشافویه، قوسین و دیزه با دو ناحیه قصران، یعنی دو قصر داخلی و خارجی (همان، ۲۳۳). در فاصله سال‌های ۴۲۰ تا ۴۲۷ ه.ق ری توسط غزنویان اشغال و غارت شد و سپس، سلجوقیان به اداره این منطقه پرداختند (باسورث ۱۳۸۵ اب: ۱۵۵).

از قرن چهارم هجری تا زمان حمله مغول یک دوره آشوب‌های مذهبی ری را فرا گرفت که بیشتر نواحی اطراف آن تبدیل به ویرانه گشت. مردم ری را در قرن چهارم هجری از لحاظ مذهبی عمدتاً اهل تسنن تشکیل می‌دادند (مقدسی ۱۳۶۱: ۵۹۰)، اما در فاصله قرن ششم تا هشتم هجری این ترکیب به نفع شیعیان تغییر یافت (حموی ۱۹۶۵، ج ۲: ص ۸۹۳ و مستوفی ۱۳۳۱: ۵۴).

با حمله مغولان، ری نیز مشابه بسیاری از شهرهای خراسان و ماوراءالنهر دچار غارت، کشتار و تخریب گسترده شد. از آنجایی که در این حملات بسیاری از منابع آبی و به‌ویژه قنات‌ها از بین رفت، مزارع و کشاورزی این مناطق نیز آسیب جدی دید (جعفریان ۱۳۷۷: ۳۱ و ۴۹). به‌گونه‌ای که به علت نابودی منابع انسانی و مزارع و مناطق کشاورزی، ری دیگر هیچ‌گاه نتوانست اعتبار گذشته خود را به دست آورد. با این حال، ری پس از واقعه هولناک حمله مغول هم‌چنان از شهرهای مهم محسوب می‌شده و تا دو سه قرن بعد نامش در پاره‌ای از وقایع تاریخی آمده است (کریمان ۱۳۴۹: ۲۱۴). از زمان حکومت غازان به بعد و همگام با اصلاحات اقتصادی و عمرانی گسترده‌ی وی، ری مجدداً تا حدودی رونق گرفت. غازان حتی بخش‌هایی از شهر را در نزدیکی قلعه طبرک بازسازی و ترمیم نمود. این بخش‌ها حتی در دوران بعد آباد باقی ماند، چنان‌که شاهرخ تیموری در سال ۸۳۲ ه.ق به همان منطقه رفته است (همان: ۲۱۶-۷). در این دوره ورامین که در گذشته از روستاهای ری به شمار می‌رفت، رونق بسیاری یافت و از شهرهای بزرگ و آباد این منطقه محسوب گشت (رضوان ۱۳۸۴: ۱۷۵).

ری مجدداً در سال ۷۸۹ ه.ق مورد هجوم فاجعه‌آمیز تیمور قرار گرفت و شهر کاملاً تخریب گشت و مردمانش از دم تیغ گذشتند (یزدی ۱۳۳۴)، به طوری که کلایخو که در اواخر سال ۸۰۶ ه.ق از این شهر عبور کرده، بیان داشته که بناهای آن متروک مانده و ویران گشته و شهر به کلی از سکنه خالی شده است (کلایخو ۱۳۳۷: ۱۷۵). بعد از تیموریان، اداره حکومت و نیز منطقه ری در دست جانشینانش و سپس تا حدودی قراقویونلو و آق قویونلوها افتاد و سرانجام صفویان اداره کشور و نیز این شهر را عهده‌دار شدند. از این تاریخ به بعد تهران

جای این شهر را گرفت و به تدریج آبادانی و وسعت یافت تا آنجا که به صورت کلان‌شهر کنونی درآمده است.

۳- پیشینه پژوهش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های دوران اسلامی

از نخستین کاوش‌های باستان‌شناسی صورت گرفته در ری می‌توان به کاوش‌های دامنه‌دار اشمیت به فاصله سال‌های ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۶ اشاره کرد که بیشتر در جهت شناخت دوره‌های پیش از تاریخ منطقه صورت می‌گرفت، با وجود این، بسیاری از آثار اسلامی نیز توسط او کاوش و شناسایی شدند. وی در چشمه‌علی، ارگ، باغ ابوالفتح‌زاده، نقاره‌خانه، امین‌آباد و چال‌ترخان کاوش کرد که در آن‌ها به آثار فراوان اسلامی دست یافت (Schmidt ۱۹۳۴ & ۱۹۳۶). از دست‌آوردهای ارزشمند وی شناسایی و جمع‌آوری آثار بسیار اسلامی از قبیل معماری، سکه‌های طلا و نقره، انواع سفال به‌ویژه قطعات بسیار فراوان زرین‌فام، مینایی و... است که اگر منتشر می‌شدند، تأثیر بسیاری در شناخت این دوره مهم استقرار ری داشتند. متأسفانه مرگ زود هنگام اشمیت به او فرصت نداد تا گزارش حفريات خود را در این منطقه چاپ و منتشر کند. پروفیسور اشمیت قبل از مرگ موفق شد که شش اطلاعیه کوتاه درباره دو فصل از سه فصل کاوش‌های خود در تپه چشمه‌علی را چاپ و منتشر کند (ملک‌شهمیرزادی ۱۳۷۵: ۳۵۲). ولی نتایج کاوش‌های وی در عشق‌آباد هیچ‌گاه منتشر نشد، اما بعدها به همت دبنوره تامپسون تزئینات معماری و به‌ویژه گچ‌بری‌های زیبای آن مورد مطالعه قرار گرفت و نتایج آن منتشر گردید (Thompson ۱۹۷۵).

پس از ایشان کاوش‌های باستان‌شناسی این منطقه در محدوده شهر ری دوران اسلامی توسط اداره کل باستان‌شناسی و به سرپرستی یحیی کوثری و شهریار در سال‌های ۱۳۵۴ و ۱۳۵۷ صورت گرفت که در پای کوه تبرک به گورستان بسیار با اهمیتی از قرون اولیه اسلامی برخورد نمودند. این برنامه پس از مدتی وقفه دوباره در سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۹ آغاز شد که منجر به کشف چند کوره دو منظوره تولید آجر و سفال‌های معروف به فقاع در محله دیلمان ری گردید (کابلی ۱۳۷۸: ۲۱). کوثری مجدداً در سال ۱۳۷۰ کاوش در شهر ری را پی

گرفت و ضمن حفاری در قلعه گبری، نتیجه پژوهش خود را به صورت مقاله‌ای منتشر نمود (کوثری ۱۳۷۵: ۴۹۴-۴۵۳). در همین سال امیری دو منطقه پارک وحدت و پژوهشگاه شهید رجایی ری را کاوش کرد که منجر به شناسایی چندین سکه اموی تا دیالمه و نیز انواع ظروف مینایی، زرین فام و ... شد، ولی متأسفانه اطلاعات بیشتری در این رابطه در دست نیست (امیری ۱۳۷۰). در سال ۱۳۷۲ نیز در پارک دولت آباد ری گمانه‌زنی و کاوش به سرپرستی حمیده چوبک صورت گرفت که گورستانی مربوط به دوره آل‌بویه شناسایی گردید (چوبک ۱۳۷۲). در سال ۱۳۷۷ هم کوثری در حسینیۀ مهربانی‌ها گمانه‌زنی کرد که بر اساس آن آثار معماری و انواع سفال‌های اسلامی شناسایی شد. متأسفانه از این کاوش نیز اطلاعات چندانی در دست نیست (کوثری ۱۳۷۷). در سال ۱۳۷۸ نیز فرشید مصدقی در محله چشمه‌علی ری به گمانه‌زنی پرداخت که از نتایج کار او نیز اطلاعات محدودی در دست است. در نتیجه کاوش نامبرده که در محدوده جنوبی تپه چشمه‌علی و میان مناطق مسکونی، چند گمانه کوچک باز گردید، آثاری از ظروف معروف به فجاج که در آن محل تولید شده و دورریزهای حاصل از کوره‌های تولید آن به دست آمد (مصدقی ۱۳۷۸). هم‌چنین در بررسی و شناسایی شهرستان ری که در سال ۱۳۸۱ توسط قدیر افروند و خسرو پور بخشنده انجام گرفت، چندین اثر و محوطه باستانی مورد شناسایی و مطالعه مقدماتی قرار گرفتند (افروند و پوربخشنده ۱۳۸۱).

در فاصله سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ نیز طی چند مرحله دشت تهران توسط هیئت مشترک ایران و انگلیس به سرپرستی دکتر حسن فاضلی نشلی صورت گرفت که نتایج آن در قالب کتابی تحت عنوان باستان‌شناسی دشت تهران به زودی منتشر خواهد شد. در این فاصله به سال ۱۳۸۵ تعدادی از محوطه‌های اسلامی ارزشمندی که طی بررسی‌های باستان‌شناسی صورت گرفته، شناسایی شده بودند، از طرف سازمان میراث فرهنگی استان تهران مورد گمانه‌زنی و تعیین حریم قرار گرفتند که از این محوطه‌ها می‌توان به انیس آباد، خانلق، شمس آباد و طالب آباد در محدوده‌ی شهرستان ری، اشاره کرد (رضائی نیا ۱۳۸۵ الف - ت).

بر اساس آنچه ملاحظه شد، علی‌رغم بررسی‌ها و کاوش‌های گسترده باستان‌شناسی صورت گرفته در دشت تهران، هنوز اطلاعات جامع و کاملی در ارتباط با باستان‌شناسی دوران اسلامی این دشت که اهمیت فوق‌العاده‌ای نیز دارد، در اختیار نداریم.

۴- استقرارهای دوران اسلامی دشت تهران

با آنکه طی سه فصل بررسی دشت تهران در فاصله سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵ تعداد زیادی محوطه اسلامی شناسایی شدند، ولی جهت تکمیل گزارش بررسی‌های باستان‌شناسی دوران اسلامی دشت مزبور، در پاییز ۱۳۸۸ مجدداً محوطه‌های اسلامی شناسایی شده، مورد بازبینی قرار گرفتند. متأسفانه برخی از محوطه‌های بررسی شده به دلیل تجاوزهای بی‌رویه کشاورزان کاملاً تسطیح شدند و حریم بقیه محوطه‌ها و تپه‌های باقی مانده نیز به طور مستمر مورد تعرض قرار می‌گیرند. تجاوز کشاورزان به حریم این محوطه‌ها به اندازه‌ای است که شاید تا چند سال آینده اثری از آن‌ها باقی نماند و کاملاً تسطیح گردند.^(۱) این مورد در بازبینی صورت گرفته کاملاً مشهود بود، زیرا برخی از محوطه‌های ارائه شده توسط هیأت پیشین که حتی دارای ارتفاع متوسطی بودند، در حال حاضر کاملاً تسطیح شده و اثری از آن‌ها باقی نمانده بود. علاوه بر آن، حفاری‌های غیر مجاز نیز آسیب‌های بسیاری را به بدنه‌ی تپه‌ها وارد آورده‌اند.

در عین حال، بر اساس مطالعات صورت گرفته، محوطه‌های اسلامی شناسایی شده‌ی دشت مزبور را می‌توان به شرح زیر تقسیم‌بندی نمود:

۱- برخی از این محوطه‌ها در طی سالیان گذشته کاملاً صاف و تبدیل به زمین‌های کشاورزی شده‌اند و در حال حاضر تنها قطعات سفالین محدود و پاره‌ای آثار آجرهای قدیمی نیز در سطح آن‌ها پراکنده است. شکل و کارکرد این محوطه‌ها به دلیل تسطیح شدن مشخص نیست.

۲- محوطه‌های کم ارتفاع بین نیم تا یک متر ولی با سطحی گسترده، فاقد ساختار یا شکلی منظم که حاکی از وجود مجموعه‌ای مثل یک روستای کوچک متمرکز اما بدون ساختار دفاعی است.

۳- محوطه‌های کم ارتفاع بین نیم تا یک متر با سطحی گسترده ولی با ساختار منظم چهار ضلعی به‌ویژه مربع شکل که نشان دهنده وجود یک حصار یا بارویی است که معمولاً دور یک روستای متمرکز کشیده می‌شده است. این مشخصه حتی تا دوره‌های متأخر یعنی قاجار و اوایل پهلوی نیز دیده می‌شود.

۴- محوطه‌های مخروطی یا تپه مانند با ارتفاع زیاد بیش از سه متر که فاقد ساختار مشخصی بوده و معمولاً دارای چند دوره استقراری‌اند.

۵- محوطه‌های تپه مانند با ارتفاع بیش از سه متر که دارای ساختار منظم هندسی به‌ویژه مستطیل و مربع هستند. با توجه به شکل ظاهری و ساختار آنها به نظر می‌رسد در اصل تک بنا یا یک مجموعه‌ی ساختمانی بزرگ و کاملاً به‌هم پیوسته بوده که دارای کارکرد خاصی مثل قلعه‌ی کوچک، پادگان نظامی، زندان و ... بوده‌اند.

معمولاً محوطه‌های کم ارتفاع و مخروطی شکل تپه‌مانند و بدون ساختار خاص شناسایی شده دشت تهران، با وجود آنکه خود فاقد ساختار دفاعی بوده، ولی در ارتباط با یک محوطه قلعه‌مانند یا محوطه‌ای با ساختارهای دفاعی مستحکم بوده‌اند؛ پدیده‌ای که در دوران قبل از اسلام منطقه به‌ویژه دوره ساسانی نیز کاملاً رواج داشته است. علت آن هم موقعیت ترانزیتی و قرار گرفتن منطقه در مرکز راه‌های تجاری و در نتیجه اهمیت یافتن آن در طول ادوار مختلف اسلامی است؛ به‌طوری که بارها برای تصاحب آنجا و حکومت بر آن لشگرکشی‌های متعددی صورت گرفته است. هم‌چنین این منطقه به دلیل موقعیت چهار راهی و کاروان‌رو بودن مکان بسیار مناسبی برای عرضه و انتشار عقاید مذهبی مختلف بوده، به گونه‌ای که شاهد شکل‌گیری و حتی رونق انواع مذاهب در طول دوره‌های مختلف اسلامی در آنجا هستیم. این عامل نیز از یک طرف باعث ایجاد مراکز مختلف شهری و روستائی با مرام‌های خاص مذهبی و از طرف دیگر، موجب وقوع درگیری‌های گسترده مذهبی در منطقه شده است. بنابراین، مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، تجاری و مذهبی باعث ایجاد قلعه‌های دفاعی و برج و باروهای گسترده در آن منطقه شده است.

وجود سیستم ارباب و رعیتی یا اقطاع در منطقه نیز از عوامل مهم دیگری است که تأثیر مستقیمی بر ساختارهای این منطقه داشته است. اقطاع معمولاً در عوض حقوق یا پاداش به فرماندهان نظامی یا وابستگان دور یا نزدیک حاکم داده می‌شد (لمبتون ۱۳۸۵: ۲۲۷). افراد یا عمالی را که از طرف مقطعان به مناطق مختلف فرستاده می‌شدند، معمولاً به نام‌های ارباب یا کدخدا می‌نامیدند که اداره یک بخش یا یک روستا و جمع‌آوری مالیات‌ها را بر عهده داشتند (لمبتون ۱۳۸۵: ۲۳۲). این امر درگیری‌ها و ناامنی‌های همیشگی را در مناطق مختلف تحت نفوذ اقطاع به دنبال داشت که آن نیز در کنار عوامل دیگر شاید باعث ایجاد استقراها یا بافت‌های روستایی قلعه‌مانند یا حصاردار گردیده است.

محوطه‌های شناسایی شده معمولاً به صورت مجموعه‌ای بوده‌اند، به این معنا که از چند تپه بزرگ و کوچک در کنار یک محوطه قلعه مانند کم ارتفاع یا با ارتفاع زیاد تشکیل شده‌اند. به عنوان نمونه، محوطه قلعه کبیر (A۰۱۰) از یک تپه بلند به ارتفاع نه متر و با ساختار تقریباً مستطیل شکل بزرگ با سه تپه اقماری و بدون ساختاری خاص تشکیل شده که تپه‌های اقماری در فاصله بین ۱۵ تا ۵۰ متری تپه اصلی قرار گرفته‌اند. محوطه B۲۱۴ نیز از یک تپه بلند با ساختار تقریباً مستطیل شکل بزرگ به ارتفاع ۱۰ متر با چهار تپه کم ارتفاع تشکیل شده است. معمولاً بیشتر محوطه‌ها از ابعاد زیادی برخوردار نبوده و وسعتی کمتر از دو هکتار دارند که شاید دلیل آن نداشتن مرکزیت منطقه‌ای بوده و اینکه تقریباً تمامی این محوطه‌ها به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از اعمار شهری و تا حدودی ورامین محسوب می‌شده و مرکزیت شهری نداشته‌اند. با وجود این، به نظر می‌رسد که برخی محوطه‌ها مثل B۲۱۴ واحدی بزرگتر از یک روستای ساده کوچک بوده و در کنار چهار تپه دیگر هم دوره، تشکیل یک مجموعه بزرگ تقریباً ۱۰ هکتاری را داده‌اند.

متأسفانه در بررسی محوطه‌ها و تپه‌های اقماری دشت تهران، هیچ‌گونه شواهدی مانند جوش و دور ریزهای کوره سفال‌گری و هم‌چنین سرباره ذوب فلزات به دست نیامد، اما در محدوده شهری کنونی آثاری مبنی بر تولید سفال‌های فخاع به دست آمده است (مصدقی امینی ۱۳۷۸). در برخی متون تاریخی نیز

اشاراتی هر چند مختصر، در ارتباط با تولید ظروف سفالی معروف به فقاع و کاشی در ری شده است (مقدسی ۱۳۶۱: ۵۸۲ و مستوفی ۱۳۸۱). علاوه بر این موارد در متون بیان شده که شهر ری در تولید انواع ظروف چوبی و پارچه‌های نفیس مشهور بوده است (همدانی ۱۳۴۹: ۸۶ و مقدسی ۱۳۶۱: ۵۹۲).

در این بررسی مشخص شده که محوطه‌های اسلامی دشت تماماً در محدوده زمین‌های کشاورزی قرار گرفته که در حال حاضر یا زیر کشت هستند یا در گذشته نزدیک کشت می‌شده، ولی دیگر کشت نمی‌شوند. در نزدیکی این محوطه‌ها نیز یک یا چند رشته قنات متروکه یا فعال عبور کرده که به‌نظر می‌رسد در طول دوران اسلامی نیز از مهم‌ترین منابع تأمین آب منطقه به‌حساب می‌آمده‌اند. این عامل نشان می‌دهد که با توجه به شواهد متون تاریخی^(۲) و نیز شواهد کنونی دشت تهران، به‌احتمال مردمان ساکن در این منطقه بیشتر به کارهای کشاورزی پرداخته و وسایل مورد نیاز خود مثل انواع ظروف را از مکان یا مکان‌های دیگر و یا از طریق مبادلات و داد و ستد با فروشندگان دوره‌گرد یا تاجران و کاروانیان، در حد رفع نیاز بسیار محدود تهیه می‌کردند، به‌طوری که این نحوه داد و ستد در عصر حاضر و در میان بیشتر مناطق روستایی به وضوح قابل مشاهده است. فقط به نظر می‌رسد که عمده مالکان یا به تعریف دیگر اربابان روستا یا روستاهای یک منطقه این توانائی را داشته که کالاهای مورد نیاز و حتی تجملی خود را از مراکز شهری گوناگون تهیه کرده باشند، زیرا در برخی محوطه‌ها داده‌هایی مثل سفال زرین‌فام یا مینائی به‌صورت بسیار محدود به‌دست آمده که به‌دلیل تجملی و پر بها بودن تنها از عهده افراد مرفه یا مالکان بزرگ بر می‌آمده که به تهیه و نگهداری این کالاها پردازند نه از یک خرده‌مالک یا مزدور کشاورز که صرفاً توانائی خرید کالاهای مورد نیاز غیر تجملی خود را داشته است. با توجه به داده‌های سطحی شناسایی شده، بیشتر محوطه‌های اسلامی فاقد استقرار پیش از اسلام بوده یا به تفسیری دیگر بیشتر محوطه‌های اسلامی دشت در مکان‌هایی ایجاد شده بودند که فاقد استقراری پیش از آنها بوده است. البته محوطه‌های بسیار محدودی نیز مانند تپه ده ماسین (A۰۲۰) بوده که اصل استقرار آن مربوط به دوران پیش از تاریخ است، ولی دارای استقرار بسیار ضعیف اسلامی نیز می‌باشد.

معمولاً محوطه‌های اسلامی بررسی شده این منطقه دارای چند دوره استقرار اسلامی بوده و طی چند سده، استقرار در آنها صورت گرفته است. هم‌چنین کمتر محوطه اسلامی، شناسائی شده که تنها دارای یک دوره استقرار بوده باشد. در طی این بررسی‌ها و گاهنگاری مقایسه‌ای سفال‌های آنها^(۳) مشخص گردید که بیشتر محوطه‌ها (نزدیک به ۷۰ درصد) در فاصله قرون ۴-۵ ه.ق دارای استقرار بوده‌اند، یعنی در دوره حکومت آل‌بویه و تا حدودی سلجوقی که اصلاحات اقتصادی زیادی برای بهبود معیشت مردم، به‌ویژه در زمان عضدالدوله دیلمی صورت گرفت و نیز اینکه شهر ری از اهمیت بسیاری در این دوره برخوردار بوده و جزو بزرگترین شهرهای منطقه جبال محسوب می‌شده است (برای آگاهی بیشتر رک: فدایی عراقی ۱۳۸۳: ۵۹). اما به‌نظر می‌رسد، بعد از این تاریخ و تا قبل از حمله مغول، استقرارهای منطقه اندکی کمتر شده و به کمتر از ۶۰ درصد کل محوطه‌ها می‌رسد که شاید بتوان درگیری‌های بسیار گسترده مذهبی به‌ویژه در قرون ۶-۷ ه.ق در منطقه را علت اصلی چنین وضعی دانست. در فاصله قرون ۷-۸ ه.ق یعنی طی حمله وحشیانه مغول به ایران و ایجاد حکومت ایلخانیان و تخریبات مراکز شهری و کشتارهای بسیار آنها این منطقه نیز آسیب بسیار دیده و بیشتر استقرارهای آن خالی از سکنه می‌شود که دلیل آن کشتارهای مغولان و نیز از بین بردن استقرارهای یکجانشینی و توجه به استقرارهای کوچ‌نشینی بوده است. در این دوره کمتر از ۲۰ درصد محوطه‌ها دارای استقرار بوده که حتی برخی آن‌ها مثل محوطه B۰۳۱ صرفاً دارای استقرار پس از ایلخانی بوده‌اند. البته جالب توجه است که در بافت‌های کاوش شده اشمیت در محدوده اصلی شهر ری هیچ‌گونه آثاری در ارتباط با دوره اولیه ایلخانی به‌دست نیامده (Treptow ۲۰۰۷: ۳۸)؛ این در حالی است که این آثار به‌صورت بسیار ضعیف در محوطه‌های اقماری آن شناسایی شدند. بعد از این دوره و با تخریبات ناشی از حملات تیمور استقرار در باقی محوطه‌های این منطقه نیز به پایان می‌رسد و کمتر از ۸ درصد محوطه‌ها با استقرارهای بعد از ایلخانی (قرون ۸ تا ۱۱ ه.ق) یعنی دوره‌های تیموری تا صفوی شناسایی شدند و بعد از این تاریخ نیز استقرارهای محدودی شناسائی شد.

۵- سفال‌های اسلامی دشت تهران

سفال‌های پراکنده در سطح محوطه‌های بررسی شده دشت تهران را می‌توان به دو دسته‌ی بدون لعاب و لعاب‌دار تقسیم‌بندی کرد که به شرح زیر است:

۱-۵- سفال‌های بدون لعاب

خمیره این سفال‌ها در طیفی از رنگ‌های نخودی، قرمز و سیاه قرار گرفته‌اند. بیشتر این سفال‌ها چرخ‌سازند، ولی در میان آنها برخی از سفال‌های مربوط به ظروف ذخیره‌آذوقه با ابعاد به نسبت بزرگی دیده می‌شود که با تکنیک فیله‌ای ساخته شده‌اند. هم‌چنین به‌نظر می‌رسد سفال‌های دودزده مشهور به آشپزخانه‌ای دشت، بیشتر دارای تکنیک ساخت دست‌ساز باشند، شیوه‌ای که حتی در حال حاضر در برخی مناطق ایران مثل تعدادی از روستاهای منطقه غرب و شمال ایران اجرا می‌شود. ماده چسباننده به کار رفته در این سفال‌ها کانی بوده که شامل ماسه به‌ویژه ماسه بادی می‌باشد ولی در میان برخی قطعات، ماده چسباننده ماسه مخلوط با مواد آلی مثل کاه و یا حتی میکای نقره‌ای نیز دیده می‌شود. بیشتر این سفال‌ها دهانه‌بسته بوده که به اشکال مختلف مانند خمیره، کوزه و بطری ساخته شده است. این سفال‌ها معمولاً کف تخت دارند، ولی انواع کف مقعر و محدب نیز در بین آنها دیده می‌شود. لبه‌های آنها نیز بیشتر واگرا یا برگشته به خارج با تنوعی گسترده است. در عین حال، نمونه‌هایی نیز دارای لبه‌های گرد ساده یا تخت می‌باشند.

از لحاظ ویژگی‌های تزئینی سفال‌های بدون لعاب، به دو دسته بدون نقش و نقش‌دار تقسیم می‌شوند. سفال‌های ساده بدون نقش را بیشتر سفال‌های دودزده آشپزخانه‌ای تشکیل می‌دهند، به طوری که در بررسی سطحی این گونه سفال‌ها، هیچ نمونه‌ی تزئینی مشاهده نگردید.

سفال‌های دارای تزئین، انواع مختلفی دارد. بسیاری از آنها با طرح‌ها و نقوش هندسی، گیاهی و جانوری آراسته شده‌اند. برخی از آنها هم که عمدتاً دارای خمیره نخودی و در ابعاد بزرگ یا متوسط می‌باشند، با شیوه‌های تزئینی نقش‌کنده، شیاری، برجسته و افزوده، استامپی و قالبی تزئین گردیده‌اند. تزئین مرصع و داغدار صرفاً روی برخی سفال‌های خمیره قرمز مایل به نارنجی با ماده چسباننده ماسه بادی به کار رفته که بسیار شبیه نمونه‌های دوران تاریخی هستند؛ ولی با توجه

به آنکه نمونه‌های مشابه این آثار، در چند محوطه اسلامی دیگر مانند فاروج، شیروان، مسجد جامع ورامین و لایه‌های باستانی کاوش شده جرجان شناسائی شده‌اند، این نمونه‌ها را می‌توان در مقایسه با آنها به‌طور نسبی تاریخ‌گذاری نمود (مرتضایی ۱۳۸۵: ۱۱۴، صدیقیان و دیگران ۱۳۸۹).

در میان سفال‌های بدون لعاب باید به ظروف منسوب به فجاج نیز اشاره کرد که اگرچه در این بررسی تنها یک نمونه کوچک کشف گردید، ولی در خود بافت تاریخی شهر ری، قطعات و ظروف بسیاری از این نوع آثار به‌دست آمده است که دارای خمیره نخودی مایل به سبز و ماده چسباننده ماسه‌بادی می‌باشند و روی آنها با نقوش استامپی و قالبی تزیین گردیده است.^(۴)

۲-۵- سفال‌های لعاب‌دار

این گونه سفال‌ها عمدتاً دارای خمیره نخودی رنگ می‌باشند، که تماماً با تکنیک چرخ‌ساز تولید شده و ماده چسباننده‌شان کانی است. البته در کنار آنها سفال‌هایی نیز با خمیره سفید شبه‌چینی فرتی و چینی به چشم می‌خورد. این سفال‌ها از لحاظ فرم هم از تنوع بسیاری برخوردارند، به گونه‌ای که انواع اشکال دهانه‌باز و بسته در آنها قابل تشخیص است. با وجود این، درصد فراوانی سفال‌های دهانه‌باز، به‌ویژه فرم‌های مختلف کاسه در ابعاد بزرگ و کوچک، بسیار بیشتر است. از لحاظ کاربرد، به نظر می‌رسد از این سفال‌ها، به‌عنوان ظروف غذاخوری یا نوشیدن مایعات استفاده می‌کرده‌اند. بین سفال‌های لعاب‌دار این منطقه، کف حلقوی یا رینگ‌ی درصد فراوانی بیشتری داشته است. با وجود این، انواع کف تخت یا مقعر نیز بین آنها دیده می‌شود. لبه‌های این سفال‌ها بیشتر گرد ساده و سپس واگرا یا برگشته به خارج یا تنوعی گسترده بوده، ولی نمونه‌هایی نیز دارای لبه‌های برگشته به داخل، تخت چکشی یا دالبری می‌باشند. می‌شود.

سفال‌های لعاب‌دار به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند که به شرح زیر است:

الف- سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ: درصد فراوانی این گروه از سفال‌ها نسبت به سفال‌های چند رنگ بیشتر است. در عین حال، این نوع سفال‌ها که به رنگ‌های مختلف سفید، شیری، حنایی، فیروزه‌ای، سبز لجنی، لاجوردی و

بدمجانی می‌باشند، عمدتاً به صورت ساده هستند و بخشی نیز با شیوه‌های تزینینی دیگری مانند نقش کنده تلفیق گردیده‌اند.

ب- سفال‌های لعاب‌دار چند رنگ: این نوع سفال‌ها که از تنوع زیادی برخوردارند، مربوط به ادوار مختلف اسلامی بوده و شامل لعاب پاشیده، نقش کنده روی گلابه سفید با تزئین چند رنگ (اسگرافیاتو)، نقاشی زیر لعاب در زمینه سفید یا فیروزه‌ای و هم‌چنین قطعات بسیار محدود زرین‌فام، مینائی، گونه‌های مختلف سلطان‌آبادی، گونه موسوم به کوباچه و نیز انواع چینی‌ها یا شبه‌چینی‌های آبی و سفید می‌باشند.

مسئله‌ای که در رابطه با بررسی سفال‌های این دشت توسط پژوهشگران بیان شده، یکسانی تقریبی تنوع سفالی پراکنده در سطح محوطه‌های استقرار دشت با بافت تاریخی شهر ری است که طی حفاری‌های باستان‌شناسی، قابل مشاهده بوده و نشان‌دهنده وجود یک هم‌گونی اقتصادی بین مردم شهر و اقمار آن است (چوبک ۱۳۷۶: ۵۵). در رابطه با این مسئله کاهن اشاره به وجود بافتی روستایی - شهری در میان شهرهای ایران کرده و بیان می‌دارد "بسیاری از شهرها خصیلتی نیمه روستایی داشتند و روستاهای مجاور در زندگی و کشاکش‌های آنان سهیم بودند، بدین ترتیب جریانی ورای حدود شهر وجود داشت. از طرف دیگر، استخوان‌بندی زندگی محلی اغلب فی‌نفسه مبتنی بر محله‌های مختلف یا جماعت‌های ویژه بود، نه بر اساس شهر به طور کلی" (کاهن ۱۳۸۵: ۲۷۵).

این موضوع تقریباً در بررسی‌های باستان‌شناسی استقرارهای دشت تهران ملموس بود؛ با وجود این، اختلاف کلی نیز بین سفالینه‌های محوطه‌های اقماری دشت با سفالینه‌های شناخته‌شده شهر ری وجود دارد و آن فراوانی سفالینه‌های درجه یک مثل زرین‌فام و مینایی و نیز درصد بیشتر سفال‌های درجه دو در محدوده شهری، نسبت به محوطه‌های اقماری دشت است. در این ارتباط باید بیان شود که در جریان کاوش‌های باستان‌شناسی اشمیت در شهر ری تعداد زیادی سفالینه‌های درجه یک مثل زرین‌فام و مینایی به دست آمد که مربوط به طبقه مرفه است، هر چند که درصد آن به نسبت دیگر گونه‌های سفالی بسیار اندک است (Treptow ۲۰۰۷: ۱۱). در حالی که در بررسی‌های استقرارهای اقماری دشت،

تنها در یک محوطه، آن هم به صورت تک یافته، قطعات سفال زرین فام و مینایی به دست آمد. این فراوانی نسبی سفالینه‌های درجه یک در محدوده شهری را می‌توان مرتبط با زندگی مردمی از طبقات مرفه مثل حاکمان منطقه‌ای و وابستگان آنها، تاجران و بازرگانان در محدوده شهری دانست که از این کالاهای شأن‌زا و گران بها استفاده کرده‌اند.

در رابطه با منشأ ساخت این گونه‌های سفالی با شک و تردید بسیار می‌توان مطالبی بیان نمود. متأسفانه در ارتباط با مراکز تولیدی سفال، چه در این منطقه و چه در مناطق دیگر ایران اطلاعات محدودی وجود دارد. در ارتباط با سفالینه‌های بدون لعاب به جز ققاع، داده‌های اندکی وجود دارد که دال بر تولید این ظروف در منطقه یا مناطق مجاور آن باشد، زیرا متأسفانه بیشتر داده‌های منتشر شده مرتبط با مراکز تولیدی سفال، مربوط به نمونه‌های لعاب‌دار، به‌ویژه نمونه‌های شاخص از لحاظ ویژگی‌های فنی و تزئینی مثل زرین فام است؛ در حالی که حتی اگر تاکنون مراکز زیادی در ارتباط با تولید سفال‌های بدون لعاب دوران اسلامی شناخته شده باشد، ولی داده‌های آن منتشر نشده است. با وجود این، حداقل در زمینه تولید یک گونه‌ی سفالی بدون لعاب با اطمینان می‌توانیم بیان کنیم که در خود شهری تولید شده، و آن سفال موسوم به ققاع است. با توجه به گفته‌های متون تاریخی و داده‌های حفاری این منطقه مشخص شده که حداقل یکی از مراکز تولیدی ققاع شهری است که در آن نمونه‌های مختلف سفال‌های دور ریز یا وارفته به دست آمده، ولی کوره‌های تولیدی آن مشخص نگردیده است (مصدقی ۱۳۷۸).

در ارتباط با سفال‌های لعاب‌دار تا حدودی وضع مشابه نمونه‌های بدون لعاب است؛ زیرا حتی اگر در منطقه مراکزی برای تولید این سفال‌ها شناخته شده باشد، ولی تاکنون منتشر نشده‌اند که مهم‌ترین دلیل آن شاید سطح تکنولوژی پایین آنها نسبت به دیگر گونه‌های لعاب‌دار مثل زرین فام، مینایی، قلم‌مشکی و ... باشد. با وجود این، تاکنون اطلاعاتی در زمینه تولید برخی از این گونه‌های سفالی در مناطق مجاور شهری یعنی کاشان و مشکویه‌ی زرنديه منتشر شده است که شاید به دلیل نبود نشانه‌های تولید این ظروف در شهر ری یا دشت تهران، این احتمال وجود داشته باشد که این گونه‌ها در این مراکز تولید شده و از آنجا به این منطقه

وارد شده باشند. این احتمال وجود دارد که سفالینه‌های درجه‌ی یکی مانند زرین‌فام، مینایی و تا حدودی نقاشی زیر لعاب زمینه سفید قرون میانی، در کاشان که فاصله‌ی نزدیکی با ری دارد، تولید شده و از آنجا به این منطقه وارد شده باشد؛ زیرا شواهد باستان‌شناسی و متون تاریخی گسترده‌ای وجود دارد که دلالت بر تولید این گونه‌های سفالی در کاشان می‌کنند نه شهر ری^(۵)؛ هم‌چنین سفالینه‌های خمیره سفید شبه‌چینی یا فریتی درجه دو مانند لعاب‌دار تک‌رنگ فیروزه‌ای، لاجوردی، سفید یا شیری و آبی و سفید نواری در مشکویه تولید شده و به احتمال از آنجا به ری صادر شده‌اند (نوری شادمهانی ۱۳۸۹). هم‌چنین به احتمال، برخی گونه‌های سفالی دوره متأخر تیموری و صفوی مثل کوباچه در شمال غرب یا شاید مرکز ایران و چینی‌های آبی و سفید یا مشابه تقلیدی آنها به احتمال در کشور چین یا مراکزی چون مشهد و کرمان تولید و از آنجا به این منطقه صادر شده‌اند (مهجور ۱۳۸۷، Mason et.al. ۱۹۹۶ و Crown ۲۰۰۲).

۶- نتیجه‌گیری

در ارتباط با بافت‌های استقرار و برهمکنش‌های اقتصادی و اجتماعی ساکنان دشت تهران، از منظر باستان‌شناسی و مطالعات دقیق تاریخی باید گفت و جود تعداد قابل توجهی از محوطه‌های کم ارتفاع و مخروطی شکل تپه‌مانند و بدون ساختار خاص، در ارتباط با یک محوطه قلعه مانند یا محوطه‌ای با ساختارهای دفاعی نشانگر موقعیت ترانزیتی و قرار گرفتن منطقه در مرکز راه‌های تجاری و در نتیجه اهمیت یافتن آن در طول ادوار مختلف اسلامی است.

هم‌چنین شکل یابی محوطه‌های استقرار دشت به صورت مجموعه‌ای، دلیل بر نداشتن مرکزیت منطقه‌ای بوده و اینکه تقریباً تمامی این محوطه‌ها به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از اقماری شهر ری و تا حدودی ورامین محسوب می‌شده و مرکزیت شهری نداشته‌اند.

عدم وجود شواهدی مانند جوش و دور ریزهای کوره‌ی سفال‌گری و هم‌چنین سرباره ذوب فلزات در بررسی محوطه‌ها و تپه‌های اقماری دشت تهران، جز در محدوده شهر ری کنونی که آثاری مبنی بر تولید سفال‌های ففعا به دست آمده

است و در برخی متون تاریخی نیز اشاراتی هر چند مختصر، در ارتباط با تولید ظروف سفالی معروف به ففقا و کاشی در ری شده است، به نظر می‌رسد که این استقرارها بیشتر متعلق به جوامع کشاورزی بوده‌اند و فعالیت‌های صنعتی و کارگاهی، محدود به شهر ری بوده است.

با توجه به شواهد متون تاریخی و نیز شواهد کنونی دشت تهران، به احتمال مردمان ساکن در این منطقه بیشتر به کارهای کشاورزی پرداخته و وسایل مورد نیاز خود مثل انواع ظروف را از مکان یا مکان‌های دیگر و یا از طریق مبادلات داد و ستد با فروشندگان دوره‌گرد یا تاجران و کاروانیان، در حد رفع نیاز بسیار محدود تهیه می‌کردند، به طوری که این نحوه‌ی داد و ستد در عصر حاضر و در میان بیشتر مناطق روستایی به وضوح قابل مشاهده است. فقط به نظر می‌رسد که عمده مالکان یا به تعریف دیگر اربابان روستا یا روستاهای یک منطقه این توانایی را داشته که کالاهای مورد نیاز و حتی تجملی خود را از مراکز شهری گوناگون تهیه کرده باشند، زیرا در برخی محوطه‌ها داده‌هایی مثل سفال زرین فام یا مینایی به صورت بسیار محدود به دست آمده که به دلیل تجملی و پربها بودن تنها از عهده افراد مرفه یا مالکان بزرگ بر می‌آمده که به تهیه و نگهداری این کالاها پردازند نه از یک خرده‌مالک یا مزدور کشاورز که صرفاً توانایی خرید کالاهای مورد نیاز غیر تجملی خود را داشته است. با توجه به داده‌های سطحی شناسایی شده است.

بیشتر محوطه‌های اسلامی بررسی شده دشت تهران فاقد استقرار پیش از اسلام بوده و همچنین اکثر آنها دارای چندین لایه استقرار متعلق به دوران اسلامی هستند و هم‌چنین کمتر محوطه‌ی اسلامی، شناسایی شده که تنها دارای یک دوره استقرار بوده باشد و این نشانگر اهمیت یافتن دشت در دوران اسلامی به دلایل اقتصادی - اجتماعی و معیشتی است که سبب مهاجرت ساکنان از مناطق دیگر به این قسمت ها شده شرایط مناسبی را برای ادامه استقرار فراهم آورده است.

در طی این بررسی‌ها و گاهنگاری مقایسه‌ای سفال‌های آنها مشخص گردید که بیشتر محوطه‌ها (نزدیک به ۷۰ درصد) در فاصله قرون ۴-۵ ه. ق دارای استقرار بوده‌اند، یعنی در دوره حکومت آل بویه و تا حدودی سلجوقی که این را باید در

نتیجه اصلاحات اقتصادی زیادی دانست که در زمان عضدالدوله دیلمی برای بهبود معیشت مردم صورت گرفت و دلیل دیگر را باید در اهمیت فوق العاده شهر ری در این دوره جستجو کرد.

بعد از این تاریخ و تا قبل از حمله مغول، استقرارهای منطقه اندکی کمتر شده و به کمتر از ۶۰ درصد کل محوطه‌ها می‌رسد و این نشانگر نا مساعد شدن شرایط اجتماعی-اقتصادی و امنیتی در منطقه است که شاید بتوان درگیری‌های بسیار گسترده مذهبی به‌ویژه در قرون ۶-۷ ه.ق در منطقه را علت اصلی چنین وضعی دانست. در فاصله قرون ۷-۸ ه.ق کمتر از ۲۰ درصد محوطه‌ها دارای استقرار بوده که حتی برخی از محوطه‌ها صرفاً دارای استقرار پس از ایلخانی بوده‌اند؛ یعنی طی حمله وحشیانه مغول به ایران و ایجاد حکومت ایلخانیان و تخریب مراکز شهری و کشتارهای بسیار آنها این منطقه نیز آسیب بسیار دیده و بیشتر استقرارهای آن خالی از سکنه شده و استقرارهای یکجانشینی تا حد زیادی از بین رفته و به استقرارهای کوچ‌نشینی توجه شده است. بعد از این دوره و با تخریب ناشی از حملات تیمور استقرار در باقی محوطه‌های این منطقه نیز به پایان می‌رسد و کمتر از ۸ درصد محوطه‌ها با استقرارهای بعد از ایلخانی (قرون ۸ تا ۱۱ ه.ق) یعنی دوره‌های تیموری تا صفوی شناسایی شدند و این نشانگر افول شدید شرایط زیستی برای اسکان در دشت بوده است و بعد از این تاریخ نیز استقرارهای محدودی شناسایی شد.

یادداشت‌ها

۱. با توجه به تصاویر ماهواره‌ای Google Earth از منطقه پیشوا و ورامین می‌توان به روشنی از این امر آگاهی یافت.
۲. برای نمونه ابن رسته در ذکر مسیر قسطنطنیه به ری بیان داشته که در طرف راست این مسیر تماماً کشتزارهای ری و در طرف چپ آن روستاهای ری قرار داشته است (ابن رسته ۱۳۶۵: ۱۹۶).
۳. جهت گاهنگاری مقایسه‌ای سفال‌های اسلامی دشت از این منابع استفاده گردید: Lane ۱۹۵۷ & ۱۹۴۲، Treptow ۲۰۰۷، ورنویت و خلیلی ۱۳۸۴ و مرتضایی ۱۳۸۳.
۴. برای آگاهی بیشتر در ارتباط با این ظروف و کاربرد آنها رک: قوچانی ۱۳۶۶ و Ghouchani & Adle ۱۹۹۲.

۵. برای آگاهی بیشتر و اطلاع از تولیدات این ظروف در کاشان رک: بهرامی ۱۳۷۱، واتسون ۱۳۸۲، کاشانی ۱۳۴۵ و Mason ۱۹۹۷.

کتابنامه

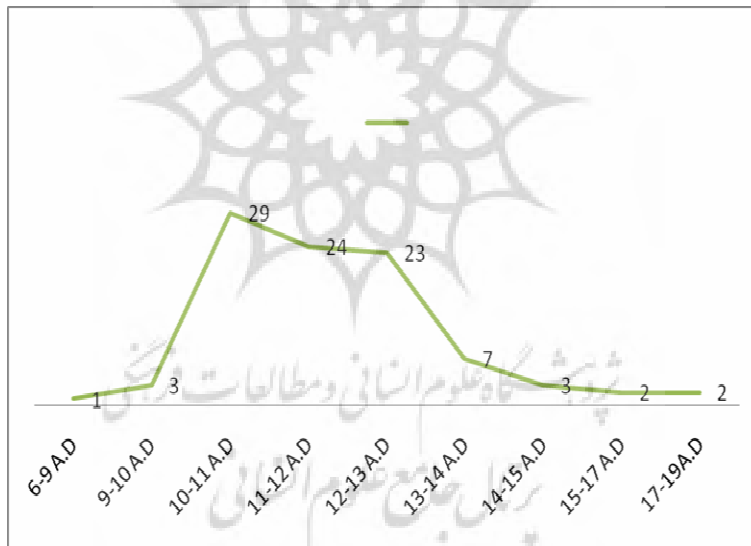
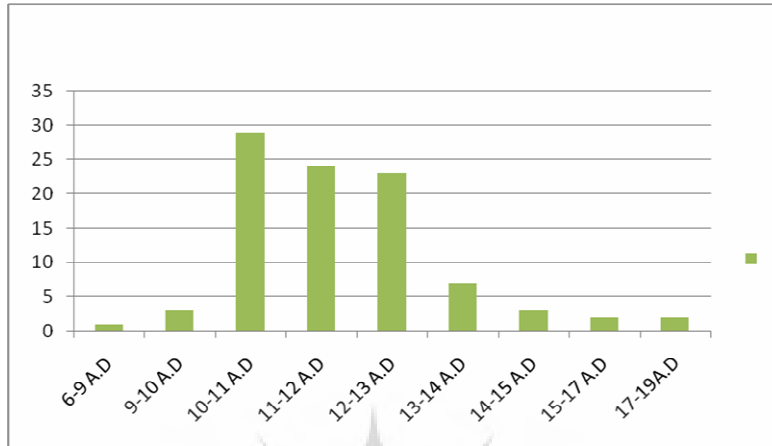
۱. ابن رسته، احمد بن عمر ۱۳۶۵/علاق النفیسه، ترجمه و تعلیق دکتر حسین قره چانلو، تهران: نشر امیر کبیر.
۲. احمد ابن ابی یعقوب ۱۳۴۳/البلدان، ترجمه دکتر محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳. افروند، قدیر و پوربخشنده، خسرو ۱۳۸۱ گزارش پژوهشی بررسی و شناسایی آثار باستانی و تاریخی - فرهنگی حوزه فرمانداری ری، چهار جلد، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران.
۴. امیری، احمد ۱۳۷۰ گزارش مقدماتی از عملیات جستجو و گمانه زنی در دو محوطه پارک وحدت و پژوهشگاه شهید رجایی شهر ری، سازمان میراث فرهنگی استان تهران (منتشر نشده).
۵. باسورث، ک.ا. ۱۳۸۵ الف "ظاهریان و صفاریان" از مجموعه تاریخ ایران از ظهور اسلام تا آمدن دولت سلجوقیان، نوشته عبدالحسین زرین کوب و دیگران، گرد آورنده ر.ن. فرای، ترجمه حسن انوشه، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ ششم، صص ۸۰-۱۱۸.
۶. باسورث، ک.ا. ۱۳۸۵ ب "دوره اول غزنوی" از مجموعه تاریخ ایران از ظهور اسلام تا آمدن دولت سلجوقیان، نوشته عبدالحسین زرین کوب و دیگران، گرد آورنده ر.ن. فرای، ترجمه حسن انوشه، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ ششم، صص ۱۴۲-۱۷۱.
۷. بلاذری، احمد بن یحیی ۱۳۶۴ فتوح البلدان (بخش مربوط به ایران)، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران، انتشارات سروش، چاپ دوم.
۸. بهرامی، مهدی ۱۳۷۱ "شکل کوره های سفال پزی کاشان در قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی)" آثار ایران، نوشته آندره گدار و دیگران، جلد اول، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۹. جعفریان، رسول ۱۳۷۷ تاریخ ایران اسلامی، ج ۳، (از یورش مغولان تا زوال ترکمانان)، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر
۱۰. چوبک، حمیده ۱۳۷۲ گورستان آل بویه ری، آرشیو سازمان میراث فرهنگی استان تهران (منتشر نشده).

۱۱. چوبک، حمیده ۱۳۷۶ "گزینهای سفالینه‌های اسلامی قلعه پوئینک" گزارش‌های باستان‌شناسی (۱)، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، صص ۵۱-۶۶.
۱۲. رضائی نیا، عباس ۱۳۸۵ (الف) گزارش تعیین عرصه و حریم محوطه باستانی انیس آباد شهرستان ری، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران (منتشر نشده).
۱۳. رضائی نیا، عباس ۱۳۸۵ (ب) گزارش تعیین عرصه و حریم محوطه باستانی خانلق شهرستان ری، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران (منتشر نشده).
۱۴. رضائی نیا، عباس ۱۳۸۵ (پ) گزارش تعیین عرصه و حریم محوطه باستانی شمس آباد شهرستان ری، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران (منتشر نشده).
۱۵. رضائی نیا، عباس ۱۳۸۵ (ت) گزارش تعیین عرصه و حریم محوطه باستانی طالب آباد شهرستان ری، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران (منتشر نشده).
۱۶. زرین کوب، عبدالحسین ۱۳۷۸ دو قرن سکوت، تهران، انتشارات سخن، چاپ نهم.
۱۷. زرین کوب، عبدالحسین ۱۳۸۵ "فتح ایران به دست اعراب و پی آمد آن" از مجموعه تاریخ ایران از ظهور اسلام تا آمدن دولت سلجوقیان، نوشته عبدالحسین زرین کوب و دیگران، گرد آورنده رن. فرای، ترجمه حسن انوشه، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ ششم، صص ۷-۵۲.
۱۸. صدیقیان، حسین و دیگران ۱۳۸۹ "معرفی و بررسی سفال‌های خمیره قرمز دوره میانی اسلامی" مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، شماره ۴ (منتشر نشده).
۱۹. طبری، محمد بن جریر ۱۳۷۲ تاریخ طبری یا تاریخ الرسل والملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ چهارم، ۱۲ جلد، تهران، انتشارات اساطیر.
۲۰. فدایی عراقی، غلامرضا ۱۳۸۳ حیات علمی در عهد آل بویه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. قدیانی، عباس ۱۳۷۹ جغرافیای تاریخی ری رگا، تهران، آرون.
۲۲. قوچانی، عبدالله ۱۳۶۶ "کوزه ققاع" مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال دوم، شماره اول، صص ۴۰-۴۵.
۲۳. کابلی، میرعابدین ۱۳۷۸ بررسی‌های باستان‌شناسی قمروود، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.

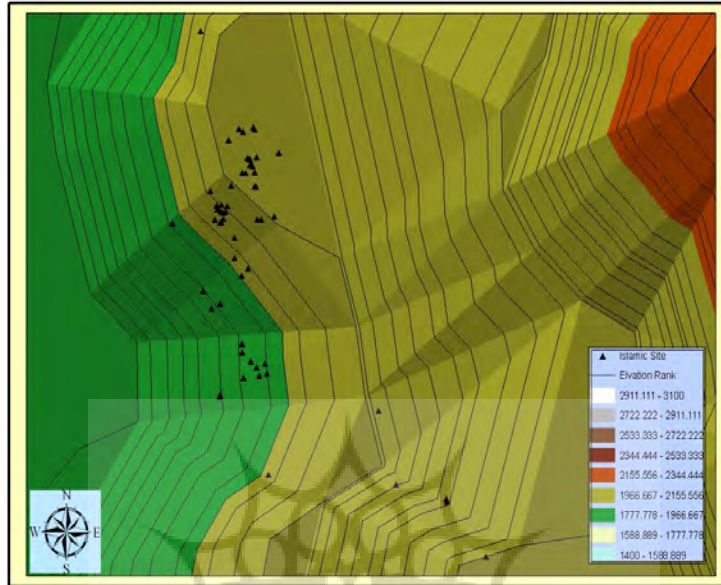
۲۴. کاشانی، ابوالقاسم عبد الله ۱۳۴۵، *عرایس الجواهر و نقایس الاطایب*، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی.
۲۵. کاهن، کلود ۱۳۸۵ *"قبایل، شهرها و سازمان بندهی اجتماعی"* از مجموعه تاریخ ایران کمبریج، نوشته‌ی عبدالحسین زرین کوب و دیگران، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران، نشر امیر کبیر، جلد چهارم، چاپ ششم، صص ۲۶۳-۲۸۲.
۲۶. کبیر، مفیض الله ۱۳۸۴ *"زیاریان طبرستان و گرگان"* از مجموعه سلسله‌های متقارن در ایران، نوشته‌ی اشپولر و دیگران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر مولی، صص ۱۶۷-۱۸۰.
۲۷. کریمان، حسین ۱۳۴۹ *ری باستان*، جلد دوم، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی.
۲۸. کلاویخو ۱۳۳۷ *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران.
۲۹. کوثری، یحیی ۱۳۷۵ *"پژوهش در قلعه گبری ری باستان"* مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ص: ۴۹۴-۴۵۳.
۳۰. کوثری، یحیی ۱۳۷۷ *گزارش گمانه زنی حسینییه مهربانی‌ها (شهر ری قدیم)*، سازمان میراث فرهنگی استان تهران (منتشر نشده).
۳۱. لسترنج، جی ۱۳۳۷ *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۲. لمبتون، ا.ک.ا. ۱۳۸۵ *"ساختار درونی امپراتوری سلجوقی"* از مجموعه تاریخ ایران کمبریج، گردآورنده جی.ا.بویل، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیر کبیر، صص ۲۰۱-۲۶۹.
۳۳. متحده، روی ۱۳۸۵ *"خلافت عباسیان در ایران"* از مجموعه تاریخ ایران از ظهور اسلام تا آمدن دولت سلجوقیان، نوشته عبدالحسین زرین کوب و دیگران، گرد آورنده ر.ن.فرای، ترجمه حسن انوشه، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ ششم، صص ۷۹-۵۳.
۳۴. مرتضائی، محمد و کیانی، محمد یوسف ۱۳۸۵ *"مطالعه و تحلیل سفالینه‌های مکشوفه از کاوش‌های باستان شناختی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ محوطه تاریخی جرجان"* مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ش ۱۸۰-۲، دوره ۵۷، صص ۱۱۱-۱۳۰.
۳۵. مستوفی، حمدالله ۱۳۳۱ *نزهةالقلوب*، مقاله الثالثه، به سعی لیسترنج، لیدن.
۳۶. مسعودی، ابوالحسن علی ابن حسین ۱۳۶۵ *مروج الذهب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۳۷. مصدقی امینی، فرشید ۱۳۷۸ گزارش بررسی و گمانه‌زنی باستان‌شناسی در منطقه چشمه‌علی شهر ری، سازمان میراث فرهنگی استان تهران (منتشر نشده).
۳۸. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد ۱۳۶۱ احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه دکتر علی نقی منزوی، بخش دوم، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
۳۹. ملک شه میرزادی، صادق ۱۳۷۸ ایران در پیش از تاریخ، باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
۴۰. مهجور، فیروز ۱۳۸۷ سفال کوباچه، پایان‌نامه مقطع دکتری باستان‌شناسی دوره اسلامی دانشگاه تهران (منتشر نشده).
۴۱. نعمتی، محمد رضا ۱۳۸۸ گزارش گمانه‌زنی و کاوش قلعه ایرج ورامین، سازمان میراث فرهنگی استان تهران (منتشر نشده).
۴۲. نوری شادمانی، رضا ۱۳۸۹ تبیین جایگاه مشکویه (مشکین تپه) در فرایند تولید سفال ایران قبل از مغول، پایان‌نامه مقطع دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی دانشگاه تهران (منتشر نشده).
۴۳. واتسون، آلیور ۱۳۸۲ سفال زرین فام ایرانی، ترجمه‌ی شکوه ذاکری، تهران، انتشارات سروش.
۴۴. ورونیت، استفان و خلیلی، ناصر ۱۳۸۴ سفال اسلامی مجموعه خلیلی، تهران: نشر کارنگ.
۴۵. همدانی، ابن فقیه ۱۳۴۹ ترجمه مختصر البلدان (بخش مربوط به ایران)، ترجمه ح. مسعود، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۴۶. یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابو عبدالله ۱۹۶۵ معجم البلدان، ۶ جلد، تهران، اسدی (زبان عربی).
۴۷. یزدی، شرف‌الدین علی ۱۳۳۴ ظفر نامه، تهران: امیر کبیر.
۴۸. Coningham et al ۲۰۰۴ "Location, Location, Location: A Pilot Survey of the Tehran Plain in ۲۰۰۳" Iran, Vol XLII, pp ۱۳-۲۴
۴۹. Crown, Yalanda ۲۰۰۲ Persia and China: Safavid blue and white ceramics in the Victoria and Albert museum ۱۵۰۱ – ۱۷۳۳, London: Thames and Thames.
۵۰. Fazeli et.al. ۲۰۰۹ "Landlord villages of the Tehran plain, Iran and historical archaeology in Iran" Iran, Vol ۴۷.
۵۱. Ghouchani, A. & Adle, C. ۱۹۹۲ "A Sphero-conical vessel as Faqqā'a, or a Gourd for "Beer"" Muqarnas, Vol۹, pp ۷۲ – ۹۲.

۵۲. Lane, Arthur ۱۹۴۲ **Early Islamic pottery Mesopotamia, Egipt & Persia**, London: Faber and Faber.
۵۳. Lane, Arthur ۱۹۵۷ **Later Islamic pottery Persia, Syria, Egipt & Turkey**, London: Faber and Faber.
۵۴. Mason, Robert & et.al. ۱۹۹۶ “**Stylistic groupe and their production centers**” In Tamerlans table ware: A new approach to Chinosere ceramics of the fifteenth and sixteenth century Iran, Ontario: Mazda publishers, No ۶, PP ۱۰۹-۱۲۳.
۵۵. Mason, Robert, B.۱۹۹۷ “**Mediaeval Iranian Lustre Painted and associated wares: Typology in a multidisciplinary stydy**” Iran, Vol ۳۵, pp۱۰۳-۱۳۵.
۵۶. Mason, Robert ۲۰۰۴ **Shine like the sun: Luster painted and associated pottery from the medieval middle east**, Ontario: Mazda publishers.
۵۷. Schmidt ۱۹۳۴ **Reports daily excavations Ray**.
۵۸. Schmidt ۱۹۳۶ **Reports daily excavations Ray**.
۵۹. Thompson, Deborah ۱۹۷۵ **Chal Tarkhan- Eshqabad near Rayy**, England: Aris & Philips LTD.
۶۰. Treptow, Tania ۲۰۰۷ **Daily life ornamented the medieval Persian city of Rayy**, The oriental institute museum of the University of Chicago.



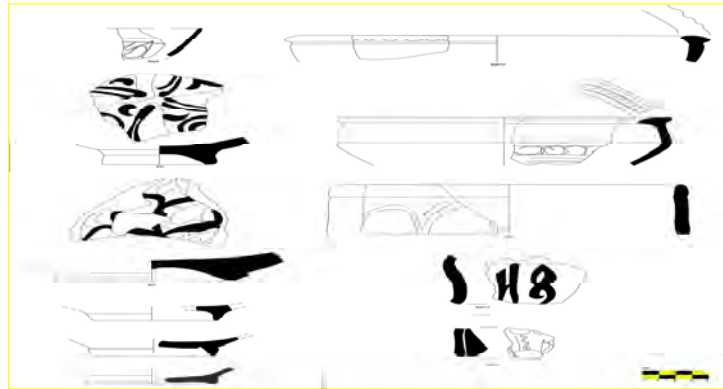
نمودارهای ۱-۲: پراکنش محوطه‌های دشت تهران در دوره‌های مختلف اسلامی



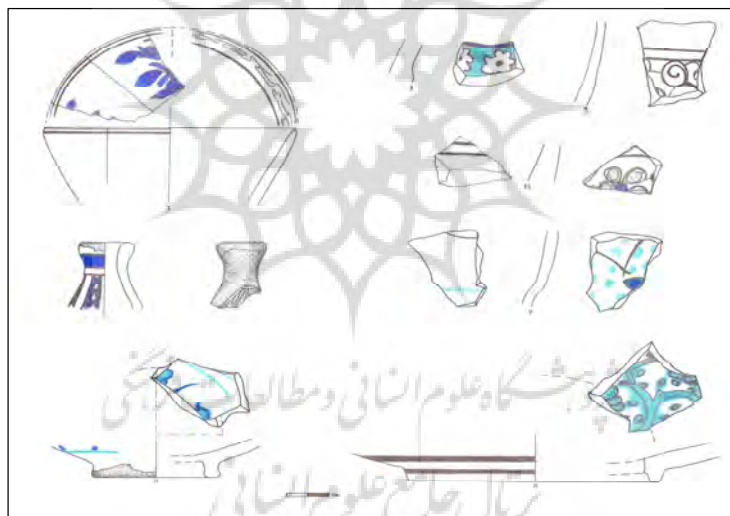
نقشه ۱ و ۲: نحوه پراکنش استقرارهای اسلامی در دشت تهران



طرح ۱: برخی از سفال‌های لعاب‌دار قرون اولیه دشت تهران



طرح ۲: برخی از سفال‌های لعاب‌دار قرون میانی دشت تهران



طرح ۴: نمونه‌هایی از سفال‌های نقاشی شده زیر لعاب به‌ویژه آبی و سفید و کوباچه، متعلق به دوره‌های تیموری و صفوی دشت تهران